

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

The Iranian Writers' Association (in Exile)



اطلاعیه کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

## 8 مارس بامداد خجسته برابری زن و مرد

جهان ما آکنده از بی‌عدالتی و ستم است. این ستم به ویژه بیش از هر کس بر زنان وارد می‌شود و سهم محروم‌ترین زنان در این میان بیش از همه است.

ستم بر زنان، جدا از مسأله نابرابری حقوقی، امری سیاسی و فرهنگی-ست. توده‌های محروم زنان، افزون بر رنج گرسنگی و بی‌حقوقی‌های عمومی که در آن با مردان خود شریکند، ستم عربان دیگری را از جانب هموندان مرد ناآگاه خود با تمام وجود لمس می‌کنند و از آن رنج می‌برند.

اگر توده مردان محروم، خانه و به ویژه زنان خود را محل خالی کردن فشارهایی می‌بینند که ستم جامعه و فرهنگ مردسالاری بر آنان تحمیل می‌کند؛ زنان در مقابل، نه محلی برای رهایی از ستم بیرون دارند و نه آرامشی در خانه می‌یابند.

از سوی دیگر، بهره‌کشی حکومت‌ها، با شانه خالی کردن از زیر بار بازسازی نیروی کار و گذاشتن آن بر دوش زنان، مناسبات مردسالاری را چندباره مادیت می‌بخشد و دستگاه تبلیغ و توجیه سلطه نیز، این ستم را به عنوان یک حق مسلم جلوه می‌دهد.

این خصلت عمده کنونی جهان ماست و برای رهایی، مبارزه با این نابرابری بیش از هر زمان دیگر ضرورت دارد. خوشبختانه بخش بزرگی از زنان جهان، در سایه آگاهی‌های فردی و اجتماعی به مقابله متشکل با این ستم برآمده‌اند.

کانون نویسندگان ایران در تبعید، در راستای دفاع از این آگاهی و برابری‌خواهی، هشتم مارس، روز جهانی زن را گرامی می‌دارد؛ با این امید که جهان جای امنی برای زیستن و برابری حقوق همه انسان‌ها باشد.

هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران در تبعید  
8 مارس 2012



### «سوپا» و «پپیا» و «اکتا»

تعرض دولت‌ها به آزادی بیان و اندیشه! بهرام رحمانی ص 3

### اطلاعیه‌های کانون نویسندگان ایران و کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

ص 6

### اشعاری از:

- شهلا آقاپور

- فریدون گیلانی

- فرخی یزدی

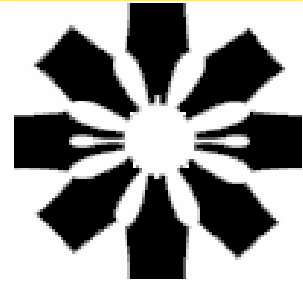
ص 8

## وصف زندگی

عباس سماکار



\* ماه به شکل شگفت‌انگیزی زیباست. لیموی رسیده‌ای که هرگز به این درشتی بر هیچ درختی نروئیده است.  
\* درختچه تمشک وحشی، با برگ‌های خاک‌آلود از پرچین کوجه به بیرون خم شده و میوه‌های درشت دارد.  
\* آب گل‌آلود که از بشکه سرازیر شده، مار درشتی‌ست که راه خاکی خود را پیش گرفته و پای درختی که دور آن می‌پیچد کف به دهان می‌آورد و در یک پاچال چنبره می‌زند و سپس به راهش ادامه می‌دهد.  
\* آخرین ذره‌های نور از جهان رخت می‌بندد. درختان، رنگ سبز کهنه و کدری به خود گرفته‌اند. لایه‌های نازکی از نور، شکم آسمان را در دور دست پاره کرده است و باد شب در افق می‌وزد.  
\* بوی چوب تازه آره شده می‌آید. هوا آرام است و همه چیز تا دور دست پیداست و ماه، با چهره‌ای زرد و پف کرده بر پیشانی آسمان آرمیده است.  
\* مرز دریا و آسمان در افق پیدا نیست. همه چیز در کدورت و هوهوی باد در هم پیچیده است و حرکت سنگین و متلاطم موجی که کشتی بزرگ ما را به تکان واداشته به درون ما نیز راه یافته است.  
\* سایه همه چیزها دراز است. سایه کوه‌های بلند روی کوه‌های کوتاه‌تر افتاده و سایه سروها، منظر جاده‌ها را هاشور زده است.  
\* باغ پر است از بافه‌های سفید و خوشه‌های آویزان اقاچیا. و عطر نافذی در فضا پراکنده است.  
\* رودخانه‌ای که از میان شهر می‌گذرد روح شهر را نوازش می‌کند و همه چیز در آن به روح آب می‌پیوندد. آب شهر را پاره کرده است و به آرامی پیش می‌رود و کلیسای بزرگ، پل‌ها، باراندازها، پارک‌ها، جاده‌ها و انسان‌ها بر گرد آن گردآمده‌اند و ستایشش می‌کنند.  
\* در دوردست، چشم‌انداز کوه و در و دشت، در سکوتی



**بانگ** آخر هر ماه منتشر می‌شود

سردبیر: بهرام رحمانی

آدرس ایمیل:

[bahram-rahmani@ownit.nu](mailto:bahram-rahmani@ownit.nu)

آدرس سایت کانون:

[www.iwae.org](http://www.iwae.org)

### چند توضیح:

- بانگ، مطالبی را درج می‌کند که تنها برای این نشریه ارسال شده‌اند.
- مطالب بانگ، با «ورد فارسی» تایپ شوند و بیش‌تر از دو صفحه 4 نباشند.
- مسئولیت مطالبی که در بانگ درج می‌شوند با نویسندگان آن‌هاست.

### منشور

#### کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

- ۱- دفاع از آزادی اندیشه و عقیده برای همه افراد و گروه‌های عقیدتی و قومی بدون هیچ حصر و استثناء.
- ۲- هرکس می‌تواند افکار و عقایدی که خود می‌پسندد، داشته باشد و هیچ فرد یا گروه و یا مرجعی مجاز نیست افکار و عقاید خود را بر دیگران تحمیل و یا از ابراز عقیده و برخورد آزادانه افکار و عقاید جلوگیری کند.
- ۳- دفاع از آزادی بیان و نشر، و اشاعه افکار و عقاید و آثار فکری (هنری، فرهنگی، فلسفی و...) با استفاده از کلیه وسایل ممکن.
- ۴- مبارزه با هرگونه تبعیض و استثمار فرهنگی.
- ۵- در استقلال کانون از همه جمعیت‌ها، احزاب و سازمان‌های سیاسی اعم از مستقل یا وابسته به هر نوع نظام حکومتی، کانون ضمن آن که موظف به دفاع از کلیه حقوق و آزادی‌هایی است که با آزادی اندیشه و بیان و نشر و رشد فکری و فرهنگی جامعه ارتباط دارند، نمی‌تواند و نمی‌باید به هیچ شکلی تبدیل به ابزار یا محملی برای فعالیت هیچ جمعیت، حزب یا سازمان سیاسی خاصی شود.
- ۶- همکاری با کلیه کانون‌ها و انجمن‌های مشابهی که بدون داشتن وابستگی به گروه، جمعیت، سازمان یا حزب سیاسی خاص، از آرمان‌های عام آزادی‌های فرهنگی و اجتماعی دفاع می‌کنند...

عظیم می‌سوزد و به شکلی نرم و نامحسوس می‌لرزد.  
\* رودخانه‌ی گل‌آلود چون قلع مذاب پیش می‌رود. دورتر، جایی که آب پهن می‌شود، رگه‌ای از برق خورشید را در دل خاکستری‌اش باز می‌تابد. از آن پس، انگار آب با وارد شدن به یک دریاچه، در مه‌ی آبی رنگ فرومی‌رود و پس پشت آن، غباری خاکستری و سفید از نور می‌درخشد و چشم را می‌زند.

\* ساقه‌های درو شده و زرد گندم، زیر تیغ آفتاب می‌درخشد و بوی خشکی مزرعه و خاک آفتاب خورده، در فضا پراکنده است. ساقه‌های رسیده‌ی مزرعه‌های دیگر، چون پیکان‌های باژگونه‌ی طلائی در زمین فرورفته‌اند و دشت با قاطعیت طلارنگ خود، خشن، یکدست و پر از آماج، فضائیست آکنده از رنگ طلائی گداخته.

اسب‌هایی که با سرین‌های بزرگ و بویناک و یال و دُمی خاکستری و نیرومند و با پاچه‌های پرمو بر غله می‌کوبند و بادی که در ساقه‌های درو نشده‌ی گندم زندگی طلائی را به صدا درمی‌آورد مونیکا را مست کرده است و او را واداشته به میان گندم‌ها که بلندی ساقه‌هایش تا کمر اسب و شانه آدم می‌رسد بود.

\* برگ درختان که هنوز تیره‌گی شبانه را بر خود دارند، بی‌جنبشی برجا ایستاده‌اند و گرمای هوا از همین صبح‌گاه خفه تابستانی پیدا است.

\* کوه‌ها، کلاه پشمی ابر را بر سر گذاشته‌اند و تا گردن در شال مه فرورفته‌اند و گونه‌های-شان از سرخاب زبانه‌های آتش غروب گر گرفته است. منظری دل‌انگیز، دره‌های زرد و سبز پائیزی، نظم راست گوش کشت و کار و وقاری دل‌نشین که در بطن طبیعت نهفته است. مونیکا به زبانه‌های خورشیدی که در افق می‌سوزد چشم دوخته و دایره‌ی بزرگ طلائی نازک و سرخ غروب، آب را انگار در چشمانش حلقه کرده است.

\* غنچه‌های سرخ گل، به نگین‌های درشتی از الماس ناب شبانه مزین اند و شبنم سرد سحر، گرده‌ای مات و نازک بر شاخ و برگ‌های سبز کشیده است

\* گل چند پر سفیدی با نیم کره زرد پرچم‌های پرپشتش، کنار قارچ‌های پاکوتاه روئیده است و رطوبت بی‌دریغ جنگل را چون غباری شکردهانه بر خود گردآورده است.

\* غبار زرین روز در تیغه‌های آفتابی که از سوراخ‌های بین شاخ و برگ درختان باغ و از میان در و پنجر به درون می‌تابد در هوا برق می‌زند. از خواب برخاسته‌ام؛ اما، بوی سحرگاه به رویا چسبیده است و موج خواب هنوز در تنم می‌لولد.

\* رشته دره‌ها و کوه‌ها، شکسته و خشن و تو در تو، در طیفی از رنگ‌های خاکستری آبی و خردلی فرورفته است و صدای آب از اعماق شکاف‌های سایه‌دار و تاریک صخره‌ها به گوش می‌رسد. مونیکا سنگی از میان انبوه سنگ‌های کوه که گوئی تاکنون دست بشر به آن-ها نرسیده است برمی‌دارد، سبک سنگین می‌کند و با نگاه و لب‌خندی که از پس آن پیداست به گذشته‌ها می‌اندیشد و می‌گوید؛ «این سنگ‌ها میلیون‌ها سال است که این‌جا هستند.»

\* کوه‌ها، همان‌طور که به پسپا‌یشت چشم‌انداز روبرو عقب می‌روند، رنگ‌شان به آبی و بعد، به خاکستری بدل می‌شود و شهر، در میان دشت گسترده، در غباری خفه، در خود می‌لولد و شیشه‌های پنجره‌ها همچون پولک برق برق می‌زنند.

\* در هوای گرگ و میش آن سوی دره، بر زمینه تیره کوه، خانه‌های روستائی به جانورانی مانداند که سر از خواب برداشته و در تاریکی سحرگاه در خود می‌لولند. صدای پرندگان به زحمت از میان شاخ و برگ باغ‌ها به گوش می‌رسد و از دودکش خانه‌ها به ندرت دودی خرد تاب می‌خورد و بالا می‌آید.

\* ما فانوس به دست در کوچه‌های ده پیش می‌رویم و سایه‌ها، سر هر پیچ، بزرگ و کوچک می‌شوند و عقب و جلو می‌روند.

\* با صدای باد، انگار کسانی در دور دست فریاد می‌زنند. شب به وسعت تمام جهان در پیش چشمان من و مونیکا ست و او بی‌آن که چیزی ببیند به درون سپاهی فرومی‌رود.

\* بعد از باران همه چیز آرام گرفته است و آبکنده‌های بزرگ و کوچک مانند آینه‌هایی از نقره سوزان می‌درخشند.

\* یکی از شب‌های آغاز زمستان است و آسمان و سرمای سوزان و سپاهی، تا دور دست بر همه چیز حکومت می‌کند. ما گوش خوابانده‌ایم تا اگر صدائی بشنویم به دیگران خبر بدهیم. ولی صدائی نمی‌آید. با این حال، هول شب حادثه را اخطار می‌کند.

\* خرکچی دهاتی بر بالای بار، سوار بر خر است و مدام با پاشنه کفشش به زیر شکم حیوان می‌کوبد و او را وامی‌دارد در حالی که سم‌هایش بر شیب خاکی جاده سُر می‌خورد، سربالائی پل را به سختی طی کند.

\* آفتاب فرورفته است و آسمان به رنگ سبزی روشن می‌زند و درکناره‌های افق، تکه‌های ابر به سرخی افتاده‌اند و تا تاریکی شب، زمانی به درازا نخواهد کشید. دورتر، از مزرعه-ای که ما لب جاده خاکی آن ایستاده‌ایم، مزرعه دیگری تا دامنه کوه‌های روبرو

**«سوپا» و «پیپا» و «اکتا»  
تعرض دولت‌ها به آزادی بیان و اندیشه!  
بهرام رحمانی**

سایت کمیسیون مبادلات دولت فدرال (The Federal Trade Commission) به اکتا اعتراض کرد. در صفحه اصلی وبسایت‌های هک شده ویدیویی گذاشته شد که در آن به زبان آلمانی و به صورت هجوآمیز اکتا نقد می‌شد.

ماه‌های اخیر فضای اینترنت شاهد جدال بین مدافعان آزادی بیان آن‌لاین با قانون‌گذاران در کنگره آمریکا بود. دو لایحه موسوم به «سوپا» (Stop Online Piracy Act) و «پیپا» (Protect IP Act) که قرار بود در کنگره به بحث گذاشته شود، با اعتراض عمومی غول‌های آن‌لاین دنیا از دستور کار کنار گذاشته شد.

روز هجدهم ژانویه 2012، ویکی‌پدیای انگلیسی برای یک روز صفحات خود را مسدود کرد و صفحه اعتراضی گوگل نیز بیش از هفت میلیون امضاء جمع کرد. این تنها گوشه‌ای از اعتراضات فراوانی بود که احتمال تصویب دو لایحه جنجال‌برانگیز سوپا و پیپا در پی داشتند. بر اساس پیش‌نویس سوپا و پیپا قرار بود این دو لایحه از حق مولف در جهان آن‌لاین حمایت کنند اما مدافعان آزادی بیان دفاع از حق مولف را

دستاویزی برای کنترل و محدودسازی اینترنت می‌دانستند. به گفته آن‌ها تصویب این لوایح به شدت به آزادی اینترنت لطمه می‌زند.

ده‌ها هزار تن در شهرهای مختلف آلمان علیه توافق‌نامه «اکتا» تظاهرات کردند. هدف این توافق‌نامه، پاسداری بهتر از دارایی معنوی افراد عنوان شده است، ولی منتقدان بیم آن دارند که کنترل و سانسور اینترنت تشدید شود. شنبه 11 فوریه 2012-22 بهمن 1390، روز تظاهرات بین‌المللی علیه توافق‌نامه اکتا اعلام شده بود. در این روز در شهرهای بزرگ آلمان نیز تظاهراتی برگزار شد. به گفته پلیس آلمان، تنها در شهر مونیخ 16 هزار تن راهپیمایی کردند. شمار شرکت‌کنندگان در برلین حدود 10 هزار تن بود.

حزب راه‌زنان دریایی آلمان که اخیراً در انتخابات ایالتی به موفقیت‌های قابل‌توجهی دست یافته، در سازمان‌دهی تظاهرات روز شنبه در 55 شهر نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. بیش‌تر تظاهرکنندگان افراد جوان بودند. اکتا مخفف توافق‌نامه‌ای به منظور مقابله با تجارت تولیدات جعلی و حفاظت از دارایی معنوی افراد در پهنه دیجیتالی است. ابتکار این توافق‌نامه با آمریکا و ژاپن است و کمیسیون اتحادیه اروپا بعدها برای تدوین آن با دو کشور یادشده وارد مذاکره شد.

داشته‌اند، چرا که بر اساس اکتا از این پس مسئولان گمرک مجاز خواهند بود که وسایل اشخاص را در پی نسخه کپی غیرقانونی آثار جست‌وجو کنند.

منتقدان اکتا، اکثراً مخالفتی با کپی‌رایت و رعایت حق مولف ندارند اما آن را در حمایت از حق مولف بی‌تأثیر، و بیش‌تر در جهت تشدید سانسور و نظارت اینترنت ارزیابی می‌کنند. آن‌ها همچنین روند بررسی اکتا را که در جهان از 2006 آغاز شده به شدت غیرشفاف می‌دانند.

عدم شفافیت در بررسی اکتا، چیزیست که از سوی برخی از نمایندگان پارلمان اروپا نیز مورد انتقاد قرار گرفته است. کشورهای آلمان، قبرس، استونی، هلند و اسلواکی نیز که از ابتدا از امضای اکتا سر باز زده‌اند اکثراً اعلام کرده‌اند یکی از دلایل آن‌ها شفاف نبودن جزئیات این توافق‌نامه است. هر روز نیز از امضاءکنندگان اکتا کاسته می‌شود.



کشور بلغارستان، امضای خود را روز سه‌شنبه 14 فوریه 2012، باز پس گرفت. وزیر دفاع بلغارستان، هنگام اعلام بازپس‌گیری امضاء در نطقی که بسیار از آن استقبال شد، از نگرانی‌های موجود درباره امکان سانسور اینترنت سخن گفت و اظهار داشت: «حق مولف نباید بالاتر از حقوق بشر قرار گیرد.»

کشور اسلونی نیز روز جمعه 17 فوریه، اعلام کرد به تصویب اکتا رای نخواهد داد. در همین روز نخست وزیر لهستان نیز در یک کنفرانس خبری اعلام کرد که پیوستن به اکتا «یک اشتباه» از سوی او بوده است. پیش از این در روز 27 ژانویه بیش از سی نفر از نمایندگان مجلس لهستان در اعتراض به اکتا با ماسک گای فاکس بر صورت در مجلس حاضر شدند. ماسک گای فاکس، ماسکیست که گروه مشهور ناشناس (nonymous) از آن استفاده می‌کند.

موج اعتراضات به اکتا در اروپا که با اعلام بازپس‌گیری امضاء از سوی چند کشور در روزهای اخیر همراه بود، در روز جمعه 17 فوریه به شکلی دیگر به آمریکا نیز کشیده شد. گروه ناشناس با حمله به چندین وبسایت دولتی آمریکا از جمله

یازدهم فوریه امسال بسیاری از شهرهای اروپا شاهد حضور گسترده خیابانی ده‌ها هزاران نفری بودند که به توافق‌نامه «اکتا» که پارلمان اروپا در حال بررسی آن بود اعتراض کردند. امضاءکنندگان توافق‌نامه Anti-Counterfeiting Trade Agreement که به اختصار ACTA خوانده می‌شود، ظاهراً از آن به عنوان راهی برای کاهش نقض حقوق مولف و تولیدکنندگان محتوا نام می‌برند. اما فعالان آزادی اینترنت آن را دستاویزی برای سانسور و تشدید نظارت بر اینترنت می‌دانند.

دو لایحه اخیر دولت آمریکا به نام‌های Stop Online Piracy Act و PROTECT IP Act که به اختصار SOPA و PIPA خوانده می‌شوند، در ماه‌های اخیر اعتراضات فراوانی را برانگیخت که در نهایت به توقف بررسی آن در کنگره این کشور منجر شد. ارائه و بررسی سوپا و پیپا که از سوی تولیدکنندگان هالیوود و به منظور حمایت از حق مولف تشویق می‌شد، با اعتراضات فعالان آزادی بیان و هم‌چنین غول‌های اینترنت نظیر گوگل و فیس‌بوک و ویکی‌پدیا همراه شد که معتقدند سانسور اینترنت از تبعات تصویب این لوایح خواهد بود.

اعتراضات علیه این دو لایحه در آمریکا، الگویی برای اعتراض به اکتا در اروپا شد. با این‌همه توجهات عمومی را از این موضوع که آمریکا در اول اکتبر 2011 به اکتا پیوست، منحرف کرد. در این روز جز آمریکا، استرالیا، ژاپن، کانادا، مراکش، نیوزلند، سنگاپور، کره جنوبی هم توافق‌نامه اکتا را امضاء کردند.

اکتا، در ژانویه 2012 به امضای کمیسیون اروپا و نماینده 22 کشور عضو اتحادیه اروپا رسید. اما اعتراضات به اکتا با نزدیک شدن زمان تصویب آن در پارلمان اروپا آغاز شد.

اکتا که ظاهراً قرار است با برقراری سطحی از استانداردهای بین‌المللی از نقض حق مولف جلوگیری کند به امضای کشورهایی نظیر چین و روسیه که از ناقضان اصلی حق مولف هستند، نرسیده است.

منتقدان اکتا، نه تنها نسبت به سانسور اینترنت هشدار می‌دهند که به مشکلاتی که در فرودگاه‌ها پیش خواهد آمد اشاره



## «سوپا» و «پیپا» و «اکتا» تعرض دولت‌ها به آزادی بیان و اندیشه! بهرام رحمانی

این توافق‌نامه زمانی برای اتحادیه اروپا از قوه به فعل درمی‌آید که 27 کشور عضو این اتحادیه آن را تصویب کنند. ولی دولت آلمان روز جمعه گذشته به گونه‌ای غافلگیرکننده از امضای این توافق‌نامه خودداری و اعلام کرد که فعلاً چنین تصمیمی ندارد.

منتقدان اکتا، همواره تأکید دارند که این توافق‌نامه، راه را برای دخالت در آزادی‌های حقوقی در اینترنت و از جمله مسدودسازی این شبکه می‌گشاید. از طرف حافظان داده‌های اطلاعاتی مربوط به شهروندان نیز نگرانی‌هایی ابراز شده است. آنان می‌گویند که این توافق‌نامه می‌تواند شرکت‌های فعال در عرصه ارتباطات را وادار سازد، اطلاعات مربوط به مشتریان خود را در اختیار دیگر مقامات بگذارند.

در این میان اعتراض‌ها علیه اکتا افزایش یافته است و فعالان اینترنتی در سراسر جهان با کارزارهای تبلیغاتی و اعتراضی علیه این توافق‌نامه بسیج شده‌اند.

در توافق‌نامه اکتا در نظر گرفته شده که عرضه‌کنندگان خدمات اینترنتی می‌بایست در صورت نقض کپی‌رایت، برای شناسایی افراد خاطی اطلاعاتی چون آدرس‌های IP را در اختیار مقامات مسنول قرار دهند.

مبارزه با سوپا و پیپا و اکتا، در حالی هم‌چنان ادامه دارد که اکنون در اروپا فعالان آزادی بیان به مبارزه با معاهده‌ای در اتحادیه اروپا برخاسته‌اند که در صورت تصویب به اعتقاد آنان به سانسور اینترنت منجر می‌شود.

مدافعان اکتا می‌گویند که این معاهده پاسخی‌ست به «افزایش تجارت جهانی کالاهای تقلبی و آثاری که باید از لحاظ کپی‌رایت محفوظ بمانند». کمپانی‌های بزرگ تحقیقاتی نیز در شکل‌گیری معاهده نقش داشته‌اند.

مخالفان اما از توانایی بالقوه این معاهده در نقض حقوق بنیادین مدنی و دیجیتال نظیر آزادی بیان و حریم شخصی سخن می‌گویند.

گفته می‌شود امضاءکنندگان معاهده اکتا (Anti-Counterfeiting Trade Agreement) تمایل دارند در نهایت سازمانی بین‌المللی نظیر «سازمان تجارت جهانی»، یا «سازمان ملل» و یا «سازمان جهانی حق معنوی» را پایه گذارند.

اکتا، در آمریکا کمتر مورد انتقاد قرار گرفت چرا که سوپا و پیپا به شدت بیش‌تری در بحث بودند و عملاً بیش‌تر تمرکز بر مبارزه با آن‌ها بود.

بیس‌ت و ششم ژانویه 2012 دور جدیدی در حیات معاهده تولد یافته آغاز شد. اکتا در ژانویه امسال از سوی 22 عضو اتحادیه اروپا به امضا رسید. این در حالی بود که پنج عضو اتحادیه اروپا، کشورهای آلمان، قبرس، استونی، هلند و اسلواکی، این معاهده امضا نکردند. در این روز همچنین کناره‌گیری قادر عریف، عضو پارلمان اروپا و گزارشگر ویژه اکتا از سمت خود موضوع را به تیتز اخبار کشاند.

اکتا که هدف خود را مبارزه با جعل کالا و دزدی آثار هنری می‌داند هنوز به امضای دو کشور چین و روسیه که این موضوع در



«سوپا» لایحه دیگری با عنوان اختصاری «پیپا» نیز اعتراض‌های فعالان سایبری را برانگیخته است. «پیپا» که نامی اختصاری برای «قانون جلوگیری از تهدیدهای واقعی در دنیای مجازی برای خلاقیت‌های اقتصادی و سرقت دارایی‌های فکری» است، به دولت فدرال ایالت متحده آمریکا اختیارات بیش‌تری می‌دهد تا از حق مالکیت دفاع کند و بتواند دسترسی به سایت‌هایی را که محتوای آن‌ها به هر شکل کپی‌رایت را نقض کرده است، مسدود کند.

دانشنامه آنلاین «ویکی‌پدیا» که بزرگ‌ترین دانشنامه جهان از نظر حجم مقالات است، یکی از وبسایت‌هایی است که با جدیت علیه هر دو لایحه «سوپا» و «پیپا» فعالیت می‌کند. نسخه انگلیسی «ویکی‌پدیا» روز چهارشنبه 18 ژانویه 2012 به مدت 24 ساعت در اعتراض به این دو لایحه مسدود بود. در صفحه اول این سایت فقط لوگویی سیاه رنگ به چشم می‌خورد که روی آن عبارت «دنیای را تصور کن که در آن دانش آزاد نیست» نقش بسته بود.

«ویکی‌پدیا» بعد از پایان اعتصاب 24 ساعته خود، فعالیت عادی را از سر گرفته است. با این حال به شکل رسمی اعلام کرده که «مبارزه ما به پایان نرسیده است». بزرگ‌ترین دانشنامه تاریخ

اعلام کرده که طی 24 ساعت اعتصاب سایت انگلیسی آن، بیش از 162 میلیون بازدیدکننده به سایت مراجعه کرده و پیام آن را خوانده است.

«ویکی‌پدیا» اعلام کرده که هدفش از این اعتصاب 24 ساعته اطلاع‌رسانی به کاربران بود که تحولات و اخبار دنیای دیجیتال و آنلاین را به شکل مستمر دنبال نمی‌کنند. مرحله اول اعتصاب «موفقیت‌آمیز» بوده. با این همه ویکی‌پدیا تأکید کرده که به مبارزه علیه این لایحه ادامه خواهد داد و «راهکارها و شیوه‌های دیگری را برای مخالفت با محدود کردن آزادی بیان» در پیش خواهد گرفت.

روز چهارشنبه، 18 ژانویه سایت‌های دیگری هم چون وبسایت انگلیسی «گزارشگران بدون مرز» نیز همراه با «ویکی‌پدیا» در اعتراض به لوایح «سوپا» و «پیپا» اعتصاب کرده و از دسترس کاربران خارج شدند.

«گوگل» نیز در یک اقدام اعتراضی در صفحه اول موتور جست‌وجوگر خود لوگویی را قرار داد که نوشته بود: «لطفاً وب را سانسور نکنید!»

اکتا که از سوی برخی رسانه‌ها برادر کوچک دو لایحه آمریکایی سوپا و پیپا خوانده شده، قرار است برای اولین بار در نخستین روز ماه مارس به

آن‌ها به شدت مشاهده می‌شود، نرسیده است. موضوع حمایت از حق تولید دارو نیز بحث دیگری‌ست که از سوی بسیاری از کارشناسان از آن در معاهده اکتا ایراد گرفته می‌شود.

بدین ترتیب، اعتراضات مختلف در سطح گسترده آن‌لاین و آف‌لاین در حالی در اروپا انجام شده یا در حال انجام است که پیش از این فعالان آزادی اینترنت در آمریکا از اعتراضات مشابه پاسخ مثبت گرفته‌اند.

توقف کار بررسی سوپا و پیپا در آمریکا موفقیتی بود که در پی تلاش گسترده افراد و سازمان‌های مختلف به وجود آمد.

بعد از اعتراض‌های هماهنگ سایت‌هایی از جمله ویکی‌پدیا و فیس‌بوک به تهیه لوایح سوپا و پیپا برخی نمایندگان کنگره آمریکا اعلام کردند از این لوایح حمایت نخواهند کرد.

سوپا و پیپا، هم‌چون اکتا مدافعان قدرت‌مندی نظیر تهیه‌کنندگان هالیوود را در طرف خود داشت. با این‌همه شهروندان با همراهی سازمان‌های بزرگ اینترنتی از جمله ویکی‌پدیا و گوگل و توییتر توانستند موفق شوند.

تهیه لایحه «سوپا» در اکتبر 2011 کلید خورد و از همان زمان انتقادهای بسیاری از فعالان آزادی بیان و شرکت‌های اینترنتی بزرگ را به دنبال داشت. در کنار لایحه

«سوپا» و «پیپا» و «اکتا»  
تعرض دولت‌ها به آزادی بیان و اندیشه!  
بهرام رحمانی

صورت عمومی در کمیته تجارت بین‌المللی پارلمان اروپا بررسی شود. نظر نهایی این کمیته است که به تصویب یا رد نهایی اکتا از سوی پارلمان خواهد انجامید.

در چنین شرایطی، کمیته حمایت از روزنامه‌نگاران که گزارش سالانه‌ای با عنوان «حمله به مطبوعات» منتشر می‌کند در گزارش سال 2011 خود که در وبسایت این کمیته انتشار یافته، حکومت اسلامی ایران را «بدترین زندانی‌کننده روزنامه‌نگاران» نامیده است.

این گزارش می‌نویسد که حکومت اسلامی، دو سال پس از سرکوب گسترده معترضان به نتایج انتخابات مناقشه‌برانگیز ریاست جمهوری، همچنان از «حبس انبوه» روزنامه‌نگاران برای خاموش کردن صدای معترضان و جلوگیری از پوشش دادن خبرهای انتقادی استفاده می‌کند.

به نوشته این گزارش، حکومت اسلامی تا یکم دسامبر 2011 تعداد 42 روزنامه‌نگار را در شرایطی غیربهداشتی و سلول‌های پرازدحام در زندان‌هایی چون رجایی‌شهر و اوین در حبس نگه داشته است.

کمیته حمایت از روزنامه‌نگاران می‌نویسد که طی این سال، 21 نفر از روزنامه‌نگاران در سلول انفرادی حبس شده‌اند، 18 روزنامه‌نگار مجبور به تبعید شده و برای روزنامه‌نگاران زندانی احکام حبس بین 6 ماه تا 19/5 سال صادر شده است.

در این گزارش ذکر شده است که از میان روزنامه‌نگاران زندانی، 12 نفر با مشکلات سلامتی روبرو شده‌اند، 14 نفر آزار جسمی شده‌اند، 5 نفر از بازدید خانواده محروم شده و 4 نفر نیز از مراقبت‌های درمانی محروم شده‌اند.

بنا بر آمار کمیته حمایت از روزنامه‌نگاران، حدود نیمی از روزنامه‌نگاران زندانی ایرانی بخشی از مدت حبس خود را در سلول انفرادی به‌سر برده‌اند و حکومت اسلامی از این کار برای «وادار کردن زندانیان به اعتراف‌های دروغین» استفاده می‌کند.

کمیته حمایت از روزنامه‌نگاران که سازمانی مستقل و غیرانتقاعی مستقر در نیویورک است می‌نویسد بنابر پژوهش‌های این نهاد، ایران و کوبا در زمینه وادار کردن روزنامه‌نگاران به تبعید در صدر فهرست کشورهای جهان

قرار دارند.

بنابراین پژوهش، در هر یک از این دو کشور در سال 2011 تعداد 18 روزنامه‌نگار ناچار به زندگی در تبعید شده‌اند و در مورد ایران این تعداد طی دهه اخیر جمعا به 66 روزنامه‌نگار می‌رسد که در کل این دهه، تنها اتیوپی و سومالی وضعیتی بدتر از ایران داشته‌اند.

کمیته حمایت از روزنامه‌نگاران در ادامه گزارش خود می‌نویسد: «در حالی که برخی خبرگزاری‌های بزرگ بین‌المللی حضور خود در تهران را حفظ کرده‌اند، خبرنگاران آن‌ها اجازه جابه‌جایی آزاد و خبرنگاری آزاد، به ویژه خارج از پایتخت را ندارند.»

در بخش دیگری از این گزارش، آمده است که حکومت اسلامی با مسدود کردن میلیون‌ها وبسایت در زمره 10 سرکوبگر اصلی اینترنتی است.

کمیته حمایت از روزنامه‌نگاران روز پنجشنبه هشتم دسامبر گذشته نیز با انتشار گزارشی ایران را «بزرگترین زندان روزنامه‌نگاران در جهان» توصیف کرد و نوشت که در این زمینه پس از ایران، کشورهای اریتره، چین، میانمار و ویتنام قرار دارند.

فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران، آی‌اف‌جی نیز روز 21 ژانویه 2012، با اعتراض به موج جدید بازداشت روزنامه‌نگاران در ایران وضعیت آزادی مطبوعاتی در این کشور را «تحمّل‌ناپذیر» توصیف و تاکید کرد که به بسیج روزنامه‌نگاران جهان برای همبستگی با روزنامه‌نگاران ایرانی ادامه خواهد داد.

حکومت اسلامی ایران در سطح بین‌المللی، به عنوان دشمن درجه یک آزادی بیان معروف است و سانسور را در همه زمینه‌ها و در سطح گسترده‌ای بر علیه شهروندان، اعمال می‌کند. به خصوص ده‌ها هزار صفحه از آثار نویسندگان ایرانی در آرشیوهای سانسورچیان حکومتی خاک می‌خورند.

مسلم، آزادی بی‌حد و حصر بیان و اندیشه، یکی از اساسی‌ترین حقوق شهروندی هر انسان است. آزادی بیان تنها یک حق نیست؛ بلکه یک نهاد ارزشی است که انسان‌ها را به آزادی، برابری، عدالت و دموکراسی باورمند می‌سازد. آزادی بیان، نردبان ترقی جامعه و حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هر شهروندی است. عدم آزادی بیان و اندیشه در هر جامعه‌ای، به سادگی نشان‌دهنده سانسور و اختناق در آن جامعه و بی‌حرمتی بزرگ به همه شهروندان است.

مسلم است که نه تنها باید برای برقراری آزادی بیان، اندیشه و فعالیت‌های جمعی در کشورهای مستبدی چون ایران، مبارزه کرد، بلکه درد نیای غرب نیز با هر قانونی که آزادی بیان و اندیشه را محدودتر کند، شدیداً باید مخالفت کرد.

\*\*\*

## کشته‌شدگان سوریه به 7500 نفر رسید!

به گفته یک مقام ارشد سازمان ملل متحد از آغاز سرکوب مخالفان توسط نیروهای امنیتی در سوریه در بهار گذشته بیش از 7500 نفر کشته شده‌اند.

لین پاسکو، معاون سیاسی دبیرکل سازمان ملل متحد می‌گوید گزارش‌های معتبر حاکی از این است که تلفات در سوریه اغلب بیش از 100 غیرنظامی در روز است. به گفته فعالان در سوریه نیروهای دولت این کشور روز سه‌شنبه 28 فوریه مناطق مسکونی در حمص و سایر اماکن را زیر حملات سنگین خود گرفته‌اند و تعداد زیادی را کشته‌اند.

در همین حال یک روزنامه‌نگار بریتانیایی که هفته گذشته در حمص مجروح شده بود مخفیانه به منطقه‌ای امن منتقل شده است.

گزارش شده پاول کاتروی، عکاس روزنامه ساندی تایمز به مکانی امن در لبنان منتقل شده است اما از سرنوشت ادیت بویوه روزنامه‌نگار فرانسوی که به سختی مجروح شده و استخوان رانش شکسته خبری در دست نیست.

گفته می‌شود خانم بویوه که به سختی مجروح شده همراه پاول کاتروی حمص را ترک کرده اما گزارش‌هایی حاکی از حمله به کاروان آن-هاست.

آمار کشته‌شدگان در سوریه در جلسه شورای حقوق بشر سازمان ملل در ژنو اعلام شد.

ناوی پیلا، رییس شورای حقوق بشر سازمان ملل خبر از جنایت علیه غیرنظامیان داده و گفته گزارش‌هایی حاکی از «موج گسترده بازداشت» شورشیان توسط نیروهای دولت به دست او رسیده که باعث محرومیت بسیاری از غیرنظامیان از آب و غذا و لوازم پزشکی شده است. اظهارات خاتم پیلا، در جلسه اضطراری شورای حقوق بشر سازمان ملل در ژنو صورت گرفته که در آن یک بار دیگر تقاضای اعلام آتش‌بس برای کم‌رسانی در سوریه شده است. فیصل خباز، نماینده سوریه در سازمان ملل با خشم این جلسه را ترک کرده و کشورهای عضو را به «دامن زدن به فرقه گرابی و مسلح کردن مخالفان» متهم کرده است.

جیم میور، خبرنگار بی‌بی‌سی در لبنان می‌گوید ابهام‌ها درباره سرنوشت ادیت بویوه و اذعان همراه با شرمندگی نیکلا سارکوزی درباره این که به اشتباه خبر از رسیدن او به لبنان داده بود همه نشان‌دهنده پیچیدگی‌ها و خطرات پیرامون عملیات نجات روزنامه‌نگاران خارجی از حمص است.

گزارش‌های روز سه‌شنبه حاکی از بمباران سنگین حمص و اعزام یگان‌های ویژه زرهی دولت به مناطق در دست شورشیان است.

گروه آواز که در سوریه فعال است می‌گوید عملیاتی را برای آزادی روزنامه‌نگاران زخمی و دو همکار گرفتارشان از حمص هماهنگ کرده است و برخی از فعالانی که در این عملیات نجات شرکت داشته‌اند خود کشته شده‌اند.

مخالفان مسلح دولت سوریه، می‌گویند برای حفظ جان غیرنظامیان، از محله باب‌اعمر در حمص عقب‌نشینی کرده‌اند. شهری که تقریباً یک ماه زیر آتش ارتش بوده و صدها نفر در آن کشته شده‌اند. در همین حال، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در قطعنامه‌ای نقض سازمان یافته حقوق بشر در سوریه را محکوم کرد.

اطلاعی‌های  
کانون نویسندگان ایراناطلاعی‌ه کانون نویسندگان ایران  
درباره درگذشت فریدون فریاد

فریدون فریاد (رحیمی)، نویسنده، مترجم و عضو دیرین کانون نویسندگان ایران در یونان درگذشت. او مترجم آثار شاعرانی چون یانپس ریتسوس بود و در معرفی آنان به جامعه فرهنگی ایران سهمی برجسته داشت. کانون نویسندگان ایران این ضایعه را به خانواده فریدون فریاد و جامعه ادبی مستقل کشور تسلیت می‌گوید.

کانون نویسندگان ایران  
۱۸ بهمن ۱۳۹۰

اطلاعی‌ه کانون نویسندگان ایران  
درباره درگذشت زنده‌یاد اکرم فرمهینی

با خبر شدیم که خانم اکرم فرمهینی، طراح، گرافیست و فعال اجتماعی، همسر آقای باقر مومنی عضو دیرین کانون نویسندگان ایران، درگذشته است. درگذشت او را به آقای باقر مومنی، خانواده آن درگذشته، و جامعه روشنفکران مستقل کشور تسلیت می‌گوییم.

کانون نویسندگان ایران  
۱۸ بهمن ۱۳۹۰

بیانیه کانون نویسندگان  
به مناسبت اهدای جایزه اسکار به  
فیلم «جدایی نادر از سیمین»

فیلم «جدایی نادر از سیمین» برنده جایزه بهترین فیلم خارجی در مراسم اسکار 2012 شده است. گذشته از بهره‌برداری‌های مرسوم جناح‌های غالب و مغلوب حاکمیت کنونی و فارغ از ماهیت جوایز بین‌المللی، به دلیل ارزش‌های نهفته در این فیلم و کوشش عوامل آن برای ارائه تصویری واقعی‌تر از جامعه ایران در سطح جهانی، پیروزی آقای اصغر فرهادی و گروه سازنده این فیلم را به همه دست‌اندرکاران آن و به مردم ایران تبریک می‌گوییم و امیدواریم سینمای ایران در جهت پیشرفت و استقلال هر چه بیش‌تر از قطب‌های قدرت و ثروت حرکت کند.

کانون نویسندگان ایران  
9 اسفند 1390

وصف زندگی  
عباس سماکار

گسترده است و در نور یکنواخت غروب، موج باد در گندم‌های بلند و رسیده‌اش آدم را به تنفسی عمیق وامی‌دارد و بوی خاک و کاغذ به مشام می‌رسد. \* در منظر روبرو، تپه‌های پوشیده از جنگلی در گذر است که، خیال می‌تواند در انبوه شاخ و برگشان گم شود و به هزار زاویه‌ی پنهان آن پناه ببرد. جنگل‌های پوشیده از مه، خفه‌گی غروب، و آسمان سراسر پوشیده از ابر سپید یکدست. و رودخانه‌ای تیره و عمیق در پیش‌گاهشان. گویی از ابر غبار می‌بارد و زمین را به آسمان می‌دوزد. نگاه، گاهی به تخته سنگی سیاه و خیس برمی‌خورد و رودخانه‌ای پرآب و آرام، با سکوت مرموزی که کشتی‌ها در آب عمیق آن به آرامی پیش می‌روند و آب گل‌آلود و سفید، همه چیز را از جهان واقعی بیرون می‌کشد و به اعماق انتزاع یک رویا پرتاب می‌کند.

\* طلای سفید پُرپیچ و خم رودخانه به هنگام غروب و پرواز مرغان سفید دریائی در ارتفاع کوتاهی از سطح آب، پیچ و تاب شاخ و برگ درخت‌های جنگل در تپه‌های ابرآلود که از دور به گل سبز کلم می‌مانند و آندوه آسمانی که بطن خاکستریش خیس است، با قلعه‌ای بر فراز کوهی سبز بر متن منظر من خودنمایی می‌کند. سحرگاه، مثل بلور است و نیش طلائی آفتاب از لبه‌ی گالی‌پوش‌ها تیغ می‌کشد.

\*\*\*

**رضا خندان، همسر خانم نسرین ستوده،** به رایو فردا گفته است: روز چهارشنبه هفته گذشته، برای ملاقات به محل داسرا مراجعه کرده بودیم. البته می‌دانید که داسرا محل ملاقات نیست، بلکه به طور استثنایی یک ملاقات ویژه برای بچه‌ها در نظر گرفته بودند که با مادرشان ملاقات کنند، پیش از این هم چند بار همان جا برای ملاقات رفته‌اند. آن‌جا و توی قسمت نگهبانی که بازرسی می‌شود، به حجاب دختر من ایراد گرفتند و گفتند که باید حجابش را کامل رعایت کند.

دختر من ۱۲ ساله است. ولی آن‌جا سرسختی بیش‌تری نشان دادند. با این که او با لباس مدرسه برای ملاقات رفته بود و مقنعه داشت. علی‌رغم این که مقنعه‌اش را هم سرش کرد، باز هم بهانه‌گیری کردند و خلاصه بر سر این موضوع اجازه ورود به او ندادند که تنش به وجود آمد و ما را از قسمت اطلاعات آن‌جا بیرون کردند و بعد از آن ما حدود ۴۵ دقیقه بیرون منتظر شدیم و من از آن‌ها درخواست کردم که با مسئولین داسرا تماس بگیرند، تماس گرفتند و بالاخره موضوع حل شد. ولی در آن تنشی که ایجاد شد و ما را از آن قسمت بیرون کردند، فشار روانی زیادی به ما وارد شد. کودک در ابتدای سن و سال نوجوانی، هنوز یک بچه است و طبیعتاً فشار روانی زیادی در مقابل خانواده‌های دیگر به او وارد می‌شود. رفتاری که کردند به هیچ وجه درست نبود...

زبان مادری و زبان  
گویای جهان ما!  
اطلاعی‌ه کانون نویسندگان ایران  
(در تبعید)

دنیای ما زبانی را به تجربه گذاشته است که از مرزها می‌گذرد و محدودیت نمی‌شناسد. این زبان چیزی جز همدلی جهانی نیست. ستم بر ملیت‌هایی که نمی‌توانند در مناسبات حاکم کنونی، به زبانی سخن بگویند که قادرند با آن وسیع‌ترین رابطه‌های انسانی را برقرار کنند، سیاست سرکوبگر قدرت‌مدارانی را توجیح می‌کند که برای حفظ «تمامیت ارضی» زبان دیگران را از گویش باز می‌دارند. سخن نگفتن به «زبان ممکن انسانی»، دردیست که دنیای امروز را از هویت «دهکده جهانی بودن» اش تهی می‌کند؛ چرا که برای سخن گفتن یگانه، نیاز به زبان یگانه نیست.

مولوی می‌گوید؛

**همدلی از هم‌زبانی خوش‌تر است  
زیرا؛**

**ای بسا هندو بتان هم‌زبان  
ای بسا دو کس چون بیگانه‌گان**

جهان ما برای هم‌زبانی، باید فن‌آوری‌اش را گسترش دهد تا بشریت بدون کوچک‌ترین رنج و ستم، توان سخن گفتن به زبانی را بیابد که قابل درک برای همگان باشد.

سازمان ملل از سال 1999، در دفاع از حق مردم جهان برای سخن گفتن به زبان مادری، روز دوم اسفند (21 فوریه) را روز زبان مادری اعلام کرده است. کانون نویسندگان ایران «در تبعید»، از آزادی اندیشه و بیان به هر زبانی که باشد دفاع می‌کند و در این راستا می‌کوشد ذهنیت عمومی را، به اهمیت هم‌دلی و سخن گفتن به هر زبان ممکن را مورد تاکید قرار دهد.

هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران  
در تبعید  
21 فوریه 2012





## جای من کجاست؟

نوستاری در وضعیت پناهجویان ایرانی  
علی اصغر حقدار

افزایش فشارهای سیاسی در ایران در سال‌های اخیر باعث خروج عده دیگری از ایرانیان شده است؛ محققان و کارشناسان، این دوره را دوران بزرگ-ترین مهاجرت ایرانیان در تاریخ کشورمان دانسته‌اند. آمارهای متعددی که از ایرانیان ساکن خارج منتشر شده، تعداد آن‌ها را نزدیک به سه و نیم میلیون نفر اعلام کرده‌اند. خروج احتمالی و نابهنگام شهروندان ایران توأم با مشکلات و مسائلی برای پناهجویان است که دوری عاطفی از خانواده، از دست دادن موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی و بهم ریختگی شخصیتی و خصوصی از اهم مسائل آنان به شمار می‌روند. به نظر می‌رسد مشکل هویتی در صدر مشکلات پناهجویان قرار دارد و بیش از هر موردی، افراد خارج شده از کشور را دچار آرام و رنج‌های وجودی می‌کند.

فردی که به عنوان پناهجو از ایران خارج می‌شود، به تناسب موقعیت و علایقی که در کشور داشته، در جستجوی امنیت و آزادی بوده و بی‌شک این خواسته را نمی‌تواند به راحتی و بدون پرداخت هزینه‌های غیرقابل جبران در خارج از ایران - همانند داخل- به دست آورد. با این حال پناهجو در نتیجه فکر و تامل در شرایط خود در کشور، به فکر و اقدام برای خروج رسیده و با پشت سر گذاشتن و ویران کردن گذشته، راهی مبهم به سوی آینده‌ای مبهم را در پیش می‌گیرد.

بیش‌ترین رنج‌ها و اذیت‌های روانی و شخصیتی پناهجو در دوره بلاتکلیفی و آزارنده برای دریافت جواب پناهدگی و اقامت در کشوری دیگر پدیدار می‌شود؛ رنجی که در اعماق وجود پناهجو نفوذ

کرده و او را دچار هیجانات عصبی و به هم‌ریختگی فردیتی می‌گرداند. ناراحتی‌های عصبی و عدم تأمین عاطفی، دستاورد دوران پناهجویی تا آخر عمر است که آواره‌گی از کشور و وضعیت نابهنگام آن، بر تشدید رنج‌های او افزوده و پیکر انسانی-اش را در پذیرفتن استرس‌ها، واکنش‌های موردی و ابراز نابهنگام اخلاقی را تا انتهای زندگی همراهی می‌کنند.

افراد پناهجو با رسیدن به کشورهای همسایه ایران و بیش‌تر ترکیه، در پناه کمیساریای امور پناهندگان سازمان ملل متحد قرار می‌گیرند و بدون اشتغال به کار و تأمین مالی، با تحمل ناراحتی‌های عاطفی و... روزگار رنج‌آوری را شروع می‌کنند؛ رنجی که از یک طرف توأم است با بسته شدن راه‌های پشت سر و از طرف دیگر در راستای نگرانی از آینده‌ای مبهم با بلاتکلیفی و انتظار قبولی شرایط پناهدگی و اعزام به کشوری دیگر، برای ایجاد زندگی تازه قرار دارد.

پناهجو انسانی سردرگم است؛ نه در سرزمین خود جایی دارد و نه به سرزمین دیگری رسیده است، تا زندگی‌اش را در انتخاب آزادانه بسازد؛ پناهجو نه این‌جایی است و نه آن‌جایی! حتی می‌توان این بلاتکلیفی و به هم‌ریختگی هویتی را به بخشی از پناهدگی که در سرزمین تازه‌ای ماوا گزیده‌اند هم تسری داد؛ پناهنده و پناهجو در کندن از سرزمین مادری هم دچار اذیت و آزار است؛ اذیت و رنجی که از درونش شعله برمی‌کشد و در نامهربانی سرزمین تازه و بی‌گانگی محیط پیرامونش، حسیات درونی‌اش را به چالش می‌کشانند.

در واقع پناهجو و پناهنده، سرگردانی در شب هولی را به اجبار پذیرفته است که تنها در توازن درون و بیرون، حس و خرد و از میان برداشتن تفاوت‌ها و تعارضات دنیای اولیه (میهن) و جهان دوم (کشور تازه) می‌تواند از گزند آن خلاصی یافته و زندگی دوباره‌ای را آغاز کند. ایجاد توازن در گسست از دنیای پیشین - اگر بتوان این گسست را، واقعی و خردمندانه دانست و انجام داد- و زندگی در دنیای جدید که از نظر معیارهای اخلاقی، گزینه‌های زندگی و روابط اجتماعی در فاصله‌های بزرگ تاریخی با دنیای پیشین قرار دارد، از تلاش‌ها و رفتارهایی است که نیازمند فضایی آرام و زمینه‌ای آزاد است که بیش‌ترین پناهجویان و حتا بخشی از پناهندگان به خاطر نبود الزامات و لوازم آن، در دوری و تنها ماندگی روزگار می‌گذرانند. همتی عمیق و برخوردی واقعی و خردمندانه می‌تواند این دوران انزوایی را به نقطه حقیقت فردیت و اختراع هویت نوین پناهجو مبدل سازد.

در نوشتن از درد پناهجویی، آخرین مساله این است که اگر رژیم با فراری دادن افراد به خارج، آنان را در موقعیت پناهجویی به فراموشی می‌راند، بخشی از ایرانیان مستقر

شده در خارج هم با بی‌توجهی به شرایط پناهجویان، آنان را در خارج از دایره مخالفت‌های سیاسی و حقوقی قرار می‌دهند. با این شرایط، پناهجو انسانی است که باید از رنج‌های گسست از دنیای قدیم گذر کرده و در پیوند با دنیای تازه‌ای که پیش‌روی خود قرار داده است، با اهتمامی فزاینده و خردمندانه، فردیتی در تشخیص اجتماعی نوین برای خود بسازد و روزگار بگذراند.



## گزارش یونیسف درباره کودکان فقیر

بنا بر گزارش یونیسف، یک سوم کودکان جهان در میان زباله‌ها، در بی‌غذایی و بدون هیچ شانس برای آموزش زندگی می‌کنند. وضع این کودکان به قدری وخیم است که خیلی‌ها ترجیح می‌دهند اصلاً به آن‌ها فکر نکنند.

با رشد سریع شهرهای بزرگ جهان، کودکان بیش‌تر و بیش‌تری به خیل زاغ‌مشینان می‌پیوندند. نیمی از کودکان جهان، یعنی نزدیک به یک میلیارد نفر در شهرها بزرگ می‌شوند. از هر سه نفرشان یکی در بدترین شرایط ممکن به سر می‌برد. بنا بر گزارش یونیسف، در شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه تولد ۵۰ درصد نوزادان حتی ثبت نمی‌شود. یعنی بود و نبودشان هم رسمیت ندارد. به گفته کریستیان شنايدر، مدیر یونیسف در آلمان، شهرها به طور فزاینده به مکانی برای زندگی این کودکان در فقر تبدیل می‌شوند.

وی می‌گوید که خیلی از این کودکان اصلاً سرپرستی ندارند، تنها بزرگ می‌شوند، زندگی‌شان را با جمع‌آوری زباله می‌گذرانند. برای یک لقمه نان کفش واکس می‌زنند یا مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند یا فروخته می‌شوند.

نیازها و حقوق این کودکان بسته به میزان عقب‌ماندگی کشور در حال توسعه، به طور مستمر نادیده گرفته می‌شود و در برنامه توسعه اصلاً جایی ندارد.

در گزارش یونیسف، آمده است که میلیون‌ها کودک و جوان نابالغ در خیابان زندگی می‌کنند. آن‌ها طعمه‌اند، طعمه کسانی که از جسم این کودکان بهره می‌برند. خانواده‌ها دخترانشان را از روستا به شهر می‌فرستند تا به عنوان خدمتکار کار کنند. با این دختران همه‌گونه بدرفتاری می‌شود. آن‌ها در عمل برده‌اند. بقیه کودکان هم از ترس به باندهای تبه‌کار می‌پیوندند تا به هر شکل به جایی تکیه کنند و مامنی داشته باشند.

\*\*\*

به دیواری تکیه دادم که کسی مرا به حراج  
نگذارد  
فاصله‌ام تا جاده  
از امتداد زمستان گذشته است  
من احتمال می‌دهم این رودخانه از مرز  
بگذرد  
و مرا  
به نشانه‌ی تسلیم  
به پل‌های شکسته بسپارد  
کسی باید مترصد باشد که مرا به فضا بیندازد  
ماهی‌ها دیگر به رودخانه اعتماد نمی‌کنند  
حالا که هیچ چشمی به این جاده نمی‌افتد  
و دیگر قطاری نمانده است که در این ایستگاه  
سوت بکشد

من احتمال می‌دهم که نفس شبنم  
در کوچه‌ها گرفته باشد  
به گمانم که در متن بیانیه‌ها  
دو باره علامت‌ها را تغییر داده باشند  
اگر قرار باشد این موسیقی  
تمام شب را از طلوع و سپیده بخواند  
نفس من از این همه پایان خوش می‌گیرد  
اگر قانون آسمان ارتفاع باشد  
کسی باید از ارتفاع  
در امتداد ذهن من تصویری بسازد  
شاید که من بتوانم جاده‌ام را  
در ستاره‌هایش پیدا کنم.

اسفند ماه 1390



## جاده‌ای در ستاره فریدون گیلانی

فاصله‌ام را تا جاده از تنفس شبنم پر کردم  
ساعت‌ها را به عقب کشیدم  
زمان را به جلو بردم  
در هر گوشه‌ای  
کسی به کمین نشسته بود  
که ساقه را در گلدان خانه‌ام شکسته بود  
و در دل همسایه‌ام  
تخم کینه کاشته بود  
پنجره‌ام را بستم که باد خاطراتم را نبرد  
و کسی برای بردن پرده‌ام در نزند  
به هوا پناه بردم که زمین باز داشتیم نکند  
اگر قانون آسمان ارتفاع بود  
از ارتفاع در ذهنم گذری ساخته بودم  
که تکیه‌اش به بن‌بست‌های فرسوده بود  
در هر زاویه‌ای

خواننده‌ای بر سکو بود  
که از دیوارهای بی‌ریشه می‌خواند  
در هر معبری  
پاسبانی خرسانه می‌کشید  
در چشم هر پاسبانی  
سواری به تلخی می‌گریست  
می‌گریست که شاید از خود تصویری تازه  
بسازد

و سوار بر جشنواره‌های بغض‌آلود  
به ویرانه‌های باز مانده از آخرین غروب  
بتازد  
هر چه می‌دویدم

صدایم به آخرین مسافر نمی‌رسید  
هیچ کویه‌ای برایم دست نکان نمی‌داد  
تنها قطار این جاده واژگون شده بود  
و در آن جشنواره‌ی ناهنجار  
کسی می‌رقصید که همیشه بیهوش بود  
و ترانه‌های شاعری را می‌خواند  
که در مراسلات جنسی خود قاب شده بود  
بلیتم را پاره کردم  
پارگی‌ی روز را  
با ظهر وصله کردم  
دست صبح را گرفتم که کسی به هنجارم  
شک نکند

## بازی جنگ

شهلا آقاپور



نه آرام می‌شود  
دریای خشم  
نه توفان می‌شود  
عشق تخمک‌ها

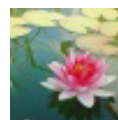
آهای  
زن‌بورک‌های خیال  
که می‌گذرید  
از عبورگاه اندیشه‌ام  
و  
فرود می‌آبید  
به اصل هابیل و قابیل

امروز،  
خصلت انسان تکرار شد،  
تکرار در تکرار آینه‌ها  
حضور بودن و داشتن  
بدین‌سان  
قرارها به هم خورد  
و زین بر خاست  
بازی‌های مالیخولیایان

بازی جنگ در قهقهه‌رایی  
پنهان در کف دست  
هر آدم...  
زمین پر شد  
از بی‌قراری گنجشک‌کان

و  
نیش عقرب‌ها در انکار  
بوی شن خیس،  
آه

من چه نگران،  
عمیق می‌بارم می‌بارم  
در اضطراب  
اشک زرد سنجاقک‌ها...



## آزادی

فرخی یزدی

آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی  
دست خود ز جان شستم از برای آزادی  
تا مگر به دست آرم دامن وصالش را  
می‌دوم به پای سر در قفای آزادی  
با عوامل تکفیر صنف ارتجاعی باز  
حمله می‌کند دایم بر بنای آزادی  
در محیط طوفای‌زای، ماهرانه در جنگ  
است  
ناخدای استبداد با خدای آزادی  
شیخ از آن کند اصرار بر خرابی احرار  
چون بقای خود ببند در فنای آزادی  
دامن محبت را گر کنی ز خون رنگین  
می‌توان تو را گفتن پیشوای آزادی  
فرخی ز جان و دل می‌کند در این محفل  
دل نثار استقلال، جان فدای آزادی

\*\*\*